

خیال و خلاقیت در هنرهای صناعی از دیدگاه سهروردی با تأکید بر سفال‌های دوره ایوبیان

چکیده

سهروردی نظیر سایر حکمای اسلامی به‌طور مستقیم در رابطه با هنر، رأی صادر نکرده اما یک‌سری از مبادی مابعدالطبیعی‌های را ارائه داده است که براساس آن هنرمند یا هنرشناس اشراقی، می‌تواند مبانی هنر اشراقی را تبیین کند. به‌عبارتی، براساس مبانی فلسفه اشراق، می‌توان هنر سنتی را احیا و آن را برای امروز و آینده ترسیم کرد. روش پژوهش حاضر به‌صورت کیفی نشان داده‌شده و یافته‌های آن به روش تحلیلی و جمع‌آوری مطالب به‌صورت کتابخانه‌ای است. این پژوهش با هدف مطالعه و بررسی خیال و خلاقیت در هنرهای صناعی از دیدگاه سهروردی یا تأکید بر سفال‌های دوره ایوبیان انجام پذیرفته است. خیال در دنیا از عقل قوی‌تر است، به دلیل اینکه اگرچه عاقل در اندیشه به کمال رسیده ولی از سیطره خیال و آنچه درک می‌کند، آزاد نخواهد بود. پس در کمال انسانی خیال بالاترین قدرت خواهد بود. عالم خیال از کلیده‌های فهم دستگاه جمال‌شناسی حکمت و عرفان اسلامی است. خرد باستانی و حکمت اسلامی همواره در تعاملی هم‌سو و تنگاتنگ با هنر بوده است. به همین جهت، هنرمند ایرانی به‌نوعی عارف و اندیشمند نیز به‌شمار می‌رفته و هنرش در راستای تفکر عرفانی و دینی بوده است. خلاقیت از دیدگاه عرفای اسلامی از آن جهت که میان حکمت و هنر سنتی از دیرباز تاکنون پیوندی ناگسستنی وجود داشته، حائز اهمیت است؛ همچنین این بحث می‌تواند مبنای نظریه‌ای برای سنجش و داوری هنر اسلامی از منظر فرآیند تحقق آن قرار گیرد. دوره حکومت ایوبیان دوره مهمی در تولید آثار سفالی فاخر در قرون ششم و هفتم بوده است که در این آثار خیال و خلاقیت را به‌وضوح می‌توان دید.

اهداف پژوهش:

۱. مطالعه و بررسی خیال و خلاقیت در هنرهای صناعی از دیدگاه سهروردی.
۲. مطالعه به‌کارگیری عنصر خلاقیت در سفال‌های دوره ایوبیان.

سؤالات پژوهش:

۱. خیال و خلاقیت در هنرهای صناعی از دیدگاه سهروردی به چه صورت عنوان می‌شود؟
۲. خلاقیت در سفال‌های دوره ایوبیان چگونه بروز می‌کند؟

کلیدواژه‌ها: خیال، خلاقیت، سهروردی، هنرهای صناعی.

مقدمه

پرداختن به نظریه خیال علاوه بر آنکه زاویه‌ای از اندیشه سهروردی را تبیین می‌کند، به فهم عمیق‌تری از سایر مسائل نظام فلسفی وی نیز می‌انجامد. درک آموزه‌های شیخ اشراق، با تأمل در مبانی این نظریه میسر است. سهروردی برخلاف رویه کلی ایجاز و اختصار که بر آن تأکید نموده و درحالی‌که استفاده از ضوابط کلی کم تعداد را به جای بحث‌های متعدد و فروعات فراوان توصیه می‌کند، با بسط و تفصیل نظریات رقیب در مسئله ابصار، یک‌به‌یک آن‌ها را بررسی و ابطال می‌کند و سپس به ارائه نظریه خویش می‌پردازد. اهتمام وی به‌قاعده ابصار به سبب نقشی است که این قاعده در مسئله ادراک به نحو کلی و مسئله خیال به شکل خاص در حکمت اشراقی ایفا می‌کند. تاریخ اندیشه و هنر بیانگر آن است که قوه خیال و تخیل انسان، مهم‌ترین و اصلی‌ترین ابزار آفرینش‌های ادبی و هنری و بالطبع در زمینه هنرهای صناعی بوده است؛ اهمیت این عامل در آفرینش‌های ادبی به‌گونه‌ای است که «نمی‌توان نظریه‌پردازی را یافت که در بررسی ادب و هنر، خود را از تحقیق در گنه ماهیت خیال و تأثیرات آن در خلاقیت و آفرینندگی شاعران و هنرمندان بی‌نیاز بداند. خیال، جنس قریب ادب و هنر است و لاجرم تا توسن سرکش و خلاق آن در فراخنای دشت صور به جولان درنیاید و هنرمند و شاعر بر مرکب تخیل، از حد عالم واقع فراتر نرود، آفرینش ادبی یا خلاقیت هنری در هنرهای صناعی صورت نمی‌گیرد» (بلخاری، ۱۳۸۷: ۹).

هنرمند متفکر ایرانی در پی شناخت و دریافت جهانی ماورای جهان مادی اطراف خویش، آفرینش هنری را همانند وسیله و ابزاری پرتیر در خدمت کشف و شهود و جست‌وجوی خود می‌گیرد. خلاقیت و آفرینش هنری از ابتدا نزد هنرمندان ایرانی، در محدوده تلاشی فردی و تفکری مجرد و شخصی دنبال نشده، بلکه مبتنی بر نیازی جمعی در گستره بینش همگانی بوده است. خرد باستانی و حکمت اسلامی همواره در تعاملی هم‌سو و تنگاتنگ با هنر بوده است. به همین جهت هنرمند ایرانی به‌نوعی عارف و اندیشمند نیز به‌شمار می‌رفته و هنرش در راستای تفکر عرفانی و دینی بوده است. خلاقیت و خیال از مفاهیم رایج در مباحث هنری است و اغلب خلاقیت با نوآوری یکی انگاشته می‌شود. از طرف دیگر، باور غالب این است که هنر سنتی، با موضوعات تکراری و کهنه، فاقد خودجوشی و بدیع‌بودن است؛ اما برخلاف نگاه مدرن که خلاقیت و حتی حقیقی بودن را با نوبودن یکی فرض کرده و هنر سنتی را فاقد آن می‌داند، نویسندگان و متفکرانی چون سهروردی نه‌تنها هنر سنتی را هنری خلاق می‌دانند بلکه تنها این‌گونه آفرینش‌ها را شایسته اطلاق مفهوم خلاقیت می‌دانند. پرداختن به مسئله خلاقیت هنری در هنرهای سنتی و بحث حول محور ثمرات نظریه‌های خیال در مفهوم‌سازی خلاقیت هنری، از آن جهت می‌تواند حائز اهمیت باشد که ممکن است بتواند ملاکی برای سنجش خلاقیت هنری در آثار صناعی به‌دست آورد. در سفال‌های دوره ایوبیان این خیال و خلاقیت به‌وضوح قابل مشاهده است.

عوض‌پور و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود در فصلنامه شناخت با عنوان «خلاقیت هنری در حکمت اشراق» که اسطوره کاوی ژیلبر دوران را روش و آثار سهروردی را پیکره خود برگزید؛ از اسطوره کاوی در رساله‌های رمزی سهروردی بدین نتیجه رسید که منشأ خلاقیت حقیقت است، هنرمند در مراتب ادراکی چندان فراز می‌گیرد که به ادراک عقلی و فهم حقیقت امور نائل می‌شود. چه به‌زعم سهروردی جمال و کمال اصلاً یکی است و خلاقیت که ماحصل کمال است اگر آن‌گونه که باید به فعلیت رسد ثمره آن ذاتاً زیبا خواهد بود. مشرقی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «هنر اسلامی و حکمت اشراقی» می‌گوید ادراک پیام اشراقی جز با نفس منور به انوار الهی ممکن نیست. حکمت اشراقی از هنر حقیقی جدا نیست؛ از این‌رو، هنر می‌تواند تحقق این حکمت را میسر و آن را متجلی سازد. از آنجاکه هنر و حکمت هر

دو از یک منشأ و مبدأ الهی ملهم هستند و هر دو از زبانی رمزی برخوردارند، لذا اثر هنری نتیجه طی طریق هنرمند در عالم معنا و مشاهده حقایق است و هنر برای هنرمند اسباب طریقت و عروج. شفیع و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله خود با نام «تخیل هنری در حکمت اشراق سهروردی در شرح و تبیین عالم مثال»، کارکرد خیال و تخیل که فارابی آن را به‌عنوان عاملی برای تبیین و توجیه وحی و نبوت به‌کار گرفته و ابن‌سینا در کتاب الشفا آن را کاملاً تحلیل کرده بود، در حکمت اشراقی گسترده‌تر شد و به‌عنوان قوه‌ای از قوای باطنی نفس، مظهر و آیینه انعکاس صور خیالیه قلمرو برزخی خیال گردید. در این مقاله پس از ارائه شرحی از قوه خیال و کارکرد آن به‌عنوان ساحت معرفت‌شناختی خیال (خیال متصل) و بررسی وجه هستی‌شناختی خیال که در حکمت اسلامی به عالم خیال یا حضرت مثال (خیال منفصل) مشهور است، به نقش این دو خیال در پایه‌ریزی نخستین و مهم‌ترین آراء حکمی در ساحت هنر، ادب و معماری اسلامی به‌خصوص مسجد پرداخته می‌شود.

اعظم‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «بازتاب دیدگاه سهروردی در جمال‌شناسی نگاره‌های عصر صفوی (مطالعه موردی: سه نسخه شاهنامه شاه‌طهماسبی، فال‌نامه و حبیب‌السیر)» با هدف شناخت تفکر عرفانی سهروردی درباره مفهوم زیبایی و هنر و بررسی تأثیرگذاری این تفکر در هنر نگارگری ایرانی-اسلامی، با رویکرد جمال‌شناسی در نگاره‌های سه نسخه مصور در عهد صفویه (شاهنامه شاه‌طهماسبی، فال‌نامه و حبیب‌السیر) نیز در پی بررسی چگونگی بازنمایی تفکر عرفانی سهروردی در تعدادی از نگاره‌ها پرداخته است. حاصل تحقیق نشان داده است که زیبایی مطلق، منتسب به نورالانوار (خداوند) بوده و جهان همانند آینه‌ای، بازتاب زیبایی خداوند است و چنین تصویر بازتاب یافته‌ای، خود را به‌واسطه شهود اشراقی و خیال هنرمند در نگاره‌ها به نمایش درآورده است.

نتیجه‌گیری

اهمیت قوه مخیله این است که تجلی‌گاه صفت خداوندی است. خلق صور در ذهن، توانایی عالم خیال است. ولی خلق عالم، وجود عینی به ماهیات اعطا می‌کند. خلاقیت هنری نیز منشأ گرفته از قوه خیال هنرمند است. شهود و کشف عوامل تجلی صور خیالی بر نفس هنرمند هستند. هنر با قوه خیال از عالم مثال، صورتی محسوس بیان می‌دارد. موفقیت هنرمند در آفرینش زیبایی وابستگی زیادی به قدرت و طهارت او دارد. هر چیزی را که درک می‌کنیم به طریقی از قوه خیال ما می‌گذرد و رسوباتی از آن در خیال باقی می‌ماند. در ادراک خیالی نه ادراک از طریق حواس صورت می‌گیرد نه مواجهه با مُدرک (امر بیرونی) لازم است این مفاهیم زیبایی‌شناختی و خلاقیت و خیال حکمت اشراق در هنرهای صناعی ایران در قالب سیر از کثرت به وحدت، سلسله‌مراتب، غایت‌گرایی، نمادگرایی، کمال‌خواهی، خودآگاهی و معرفت نفس نمود پیدا می‌کند. شیخ شهاب‌الدین سهروردی در حکمت اشراق به‌عنوان نماینده حکمت ایرانی-اسلامی، با احیای حکمت ایرانی و واردکردن مبحث شهود، علاوه بر استدلال به حکمت اسلامی، مفاهیم مشخصی همچون سیر از کثرت به وحدت، سلسله‌مراتب، غایت‌گرایی، کمال‌خواهی، خودآگاهی و معرفت نفس ارائه می‌دهد مفاهیم حکمت اشراق به‌عنوان محتوا در هنرهای صناعی نمود یافته‌اند. هنرهای صناعی در جایگاه صورت، مظهر مفاهیم حکمت اشراق است. این ارتباط دوسویه بیانگر این است که مفاهیم دقیق و مشخص در پس صور هنری وجود دارد که این مفاهیم، دلیل بر چرایی شکل‌گیری ساختار و مصادیق در حوزه هنرهای صناعی هستند؛ به‌عبارتی، زبان گویای این مفاهیم می‌گردند و بیننده و شنونده را به‌طور ضمنی با مفاهیم مشخص و اصیل روبه‌رو می‌کنند. پس می‌توان گفت این حوزه هنری قابلیت تطبیق دقیق براساس مفاهیم حکمت اشراق سهروردی از منظر روش، ابزار و مصادیق را داراست؛ به‌طوری‌که ابزار در هنرهای صناعی نظیر نگارگری، تذهیب و خوشنویسی؛ نور، رنگ و عناصر

مختلف هندسی مورد استفاده در آثار هستند و هر دو هنر مفاهیم زیباشناختی مطرح شده را در مضمون و محتوا دارا هستند. این خیال و خلاقیت در آثار سفالی دوره ایوبیان در آرایه‌ها و فن و کاربری اشیاء دیده می‌شود.

فهرست منابع و مآخذ:

- آزاده‌فر، محمدرضا. (۱۳۹۷ الف). موسیقی در فلسفه و عرفان یک مقدمه کوتاه. چاپ دوم، تهران: انتشارات مرکز. آزاده‌فر، محمدرضا. (۱۳۹۷ ب). اطلاعات عمومی موسیقی. چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- اخوت، امیر. (۱۳۸۲). «موسیقی ایرانی و هنرهای تزئینی». نشر هنرهای زیبا، شماره ۱۶، ۱۱۱-۱۰۱.
- اسعدی، هومان. (۱۳۸۸). «بازنگری ریشه تاریخی مفهوم دستگاه». نشریه ماهور، شماره ۲۲، ۶۲-۳۳.
- اسعدی، هومان. (۱۳۸۲). «بنیادهای نظری موسیقی کلاسیک ایران: دستگاه به‌عنوان مجموعه‌ای چند مودی»، نشریه ماهور، شماره ۲۲، ۵۷-۴۳.
- افلاطون. (۱۳۵۶). دوره آثار افلاطون. ترجمه محمدحسن لطفی، جلد ۳، تهران، انتشارات خوارزمی.
- امین رضوی، مهدی. (۱۳۷۷). سهروردی و مکتب اشراق. ترجمه: مجدالدین کیوانی، تهران: انتشارات مرکز.
- اهل سمردی، نفیسه. (۱۳۸۸). «از قوه خیال تا حضرت مثال (جایگاه مثل معلقه در فلسفه سهروردی)». فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸، ۳۲-۱۲.
- بی‌نام. (۱۳۸۵). «پنجاه سال با پرویز مشکاتیان»، مجله تخصصی موسیقی قرن ۲۱، شماره ۱۳، ۳۱-۱۲.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۷۰). ارزش‌های جاودان در هنر اسلامی در جاودانگی و هنر (مجموعه مقالات). ترجمه: محمد آوینی، تهران: انتشارات برگ.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۶۹). هنر مقدس. ترجمه: جلال ستاری، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۶۵). هنر اسلامی زبان و بیان. ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات سروش.
- پلنگی، منیره؛ محمدنژاد، زینب. (۱۳۹۷). «ادراک خیالی به‌مثابه ارتباطی دوسویه میان نفس و عالم خیال از نظر سهروردی». جاویدان خرد، شماره ۲۴، ۲۱.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رایس، تالبوت دیوید. (۱۳۸۶). هنر اسلامی. ترجمه: ماه ملک بهار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رشیدی، صادق. (۱۳۹۳). درآمدی بر نشانه‌شناسی موسیقی. چاپ اول، تهران: نشر علمی.
- رحیمی، صادق. (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی موسیقی تعزیه. چاپ اول، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- رحیمیان، شیرمرد؛ ذهبی، محمد. (۱۳۹۷). «ظهور زیبایی و هیات هنری در پرتو انوار اشراقی فلسفه سهروردی». نشریه شناخت، شماره ۷۸، ۱۸۶-۱۶۷.
- رزمگیر، میثم؛ انتظام، سیدمحمد. (۱۳۹۲). «قوه خیال و ادراک خیالی از دیدگاه ابن‌سینا و سهروردی». معرفت فلسفی، سال ۱۱ شماره ۲، ۳۲.
- زاده محمدی، علی. (۱۳۸۴). «مقوله حال در موسیقی ایرانی (۲)، مقدمه‌ای بر زیبایی‌شناسی موسیقی ایران». نامه هنر موسیقی، شماره ۶۰، ۱۲-۱۱.
- و تحقیقات فرهنگی.
- خالقی، روح‌الله. (۱۳۹۰). نظری به موسیقی ایرانی. چاپ ششم، تهران: زهروان پویش.

- خالقی، روح‌الله. (۱۳۶۰). نظری به موسیقی. تهران: نشر صفی‌علیشاه.
- خاتمی، محمود. (۱۳۹۳). پیش‌درآمد فلسفه‌ای برای هنر ایرانی. چاپ دوم، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۷۵). مجموعه مصنفات. مجلدهای ۱ تا ۳، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۵۵). حکمه الاشراق. به اهتمام هانری کربن، جلد ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سراج، حسام‌الدین. (۱۳۹۰). از گذر گل تا دل. تهران: انتشارات نیستان.
- سرای، پویا. (۱۳۸۸). واخوان: بازخوانش امر قدسی. دومین گردهمایی گنجینه‌های ازدست‌رفته هنر ایران، تهران: فرهنگستان هنر.
- شفیعی، فاطمه؛ بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۰). «تخیل هنری در حکمت اشراقی سهروردی». مجله علمی-پژوهشی متافیزیک، شماره ۹ و ۱۰، ۲۳.
- شیرازی، قطب‌الدین. (۱۳۸۴). شرح حکمه الاشراق، به کوشش عبدالله نورانی و مهدی محقق. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- شهرنازدار، محسن. (۱۳۸۴). گفتگو با حسین علیزاده درباره موسیقی ایران. تهران: نشر نی.
- طاهری، علیرضا. (۱۳۹۲). «نقوش حیوان گیاه در هنر ساسانی و تأثیر آن بر هنر اسلامی و هنر رومی‌وار فرانسه». نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ۱۸، ۱۹-۱.
- طوسی، خواجه نصیر محمد. (۱۳۷۱). مجمل‌الحکمه، سه رساله فارسی در موسیقی. به اهتمام: تقی بینش، تهران: انتشارات مرکز.
- علیزاده، حسین و همکاران. (۱۳۸۸). مبانی نظری موسیقی ایرانی. چاپ سوم، تهران: انتشارات ماهور.
- عوض‌پور، بهروز؛ نامورمطلق، بهمن. (۱۳۹۹). «خلاقیت هنری در حکمت اشراق سهروردی». دو فصلنامه فلسفی شناخت؛ شماره ۸۲/۱.
- مفتونی، نادیا. (۱۳۹۲). «مبانی و لوازم نظریه خیال سهروردی». مجله فلسفه و کلام اسلامی، شماره ۱، ۹-۱.
- فخرالدینی، فرهاد. (۱۳۹۲). تجزیه تحلیل و شرح ردیف موسیقی ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات معین.
- فرت، هرمز. (۱۳۸۶). دستگاه در موسیقی ایرانی. چاپ سوم، تهران: پارت.
- فیاضی لاهیجی، ملاعبدالرزاق. (۱۳۷۲). گوهر مراد. چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاظمی، علی. (۱۳۹۱). «آرایه به‌مثابه عنصری ساختاری در موسیقی دستگاهی ایران». نشریه هنرهای زیبا-هنرهای نمایشی و موسیقی، شماره ۱۴، ۲-۵.
- گودرزی، فاطمه؛ شریف، حمیدرضا. (۱۳۹۷). «نگاهی تحلیلی-تطبیقی به معماری و موسیقی ایرانی بر مبنای مفاهیم حکمت سهروردی». نشریه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۳۰، ۱۴-۱۲۳.
- کمالی‌زاده، طاهره. (۱۳۹۲). مبانی حکمی هنر و زیبایی از دیدگاه شهاب‌الدین سهروردی. چاپ دوم، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- کیانی، مجید. (۱۳۷۰). بررسی سه شیوه هنر تک‌نوازی در موسیقی ایران، تهران: ایران صدا.
- کیانی، مجید. (۱۳۶۸). هفت‌دستگاه موسیقی ایران. چاپ سوم، تهران: انتشارات سوره مهر.

محمدی، مجید. (۱۳۷۲). «سهروردی و فلسفه نبوت». نشریه کیهان اندیشه، شماره ۵۲، ۱۰۸-۱۰۰.
مسعودیه، محمدتقی. (۱۳۶۵). مبانی اتنوموزیکولوژی: موسیقی‌شناسی تطبیقی. تهران: انتشارات سروش.
مشکاتیان، پرویز. (۱۳۹۷). کتاب چکاد پرویز مشکاتیان. به اهتمام علیرضا جواهری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات چکاد هنر.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. چاپ سی و دو، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
معین، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی. چاپ بیستم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۷). واژه‌نامه هنر شاعری. تهران: انتشارات مهناز.
مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۳). «دستور زبان موسیقی پیشرو: نسبت میان موسیقی معنوی، فرهنگ ایرانی و عرفان اسلامی»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۷، ۹۶-۸۷.

Bloom, Jonathan M. (۱۹۷۵). "Raqqa ceramics" of the freer gallery of art. Washington d.c: Master of Arts.